تأثیر امام محمد باقر علیه‌السلام بر حدیث شیعه - نوروز امینی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال شانزدهم، شماره ۶۱ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگسستنی»، زمستان۱۳۹۷، ص۱۴۳-۱۶۹

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

تأثیر امام محمد باقر علیه‌السلام بر حدیث شیعه

نوروز امینی*

چکیده: حدیث، از دانش‌های اختصاصی اسلام است که توسط مسلمانان ابداع شد و سامان یافت. نقش ائمه شیعه، به ویژه صادقین، در بالندگی آن، بسیار مهم است. این نوشتار، تلاش‌های امام باقر را در این حوزه بررسی کرده است که با فعالیت‌های فرهنگی ایشان، تحولی عظیم در فرهنگ شیعه به وجود آمد؛ شاگردان ائمه و احادیث منقول از ایشان فزونی و فرهنگ پرسشگری و مراجعه به اهل‌بیت رواج یافت و اصحاب ائمه از نظر علمی و فرهنگی ارتقا یافتند. اقدامات میدانی امام باقر در حوزهٔ حدیث چشمگیر و زمینه‌ساز جهش عظیم حدیث در دوران امام صادق شد؛ اقداماتی نظیر نشر حدیث پیامبر، عرضهٔ حدیث، ترغیب به حدیث‌پژوهی، تربیت محدثان زبده‌ای چون گروه اول اصحاب اجماع، تأثیرگذاری بر محدثان اهل‌سنت و معرفی غالیان از مهم‌ترین آن‌هاست. ایشان با تبیین مسائلی چون حجیت کلام اهل‌بیت، لزوم دقت در سماع، پرهیز از اعتماد به روات ضعیف و لزوم مراجعه به ثقات، ابداع مشیخه‌نویسی، تبیین اصول نقد متن حدیث و پرهیز از انکار شتاب‌زدهٔ حدیث، زمینهٔ مساعدی را برای برجای نهادن میراث حدیثی بی‌نظیر در حوزه‌های تفسیر، عقاید، فقه، اصول، اخلاق و سیره فراهم ساختند.

کلیدواژه‌ها: امام باقر؛ حدیث شیعه؛ علوم حدیث؛ قواعد حدیث؛ راویان حدیث.

*. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی خوی Amini@quran.ac.ir

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

مقدمه

دانشمندان علم حدیث، تاریخ حدیث شیعه را، در دوران حضور معصومان علیهم‌السلام، به سه دورهٔ عصر تولد (از دوران امام علی تا پایان امامت امام سجاد علیه‌السلام به سال ۹۴ه-)، دورهٔ شکوفایی، انتشار و تدوین اصول اولیه (عصر صادقین علیهماالسلام از سال ۹۴ تا ۱۴۸ ه-) و دورهٔ تبویب و تدوین جوامع اولیه (از آغاز امامت امام کاظم علیه‌السلام تا پایان غیبت صغری به سال ۲۶۰ه-) تقسیم می‌کنند. (ر.ک: معارف، ۱۳۸۱: ص ۲۰۲) زندگی و امامت امام باقر علیه‌السلام سرآغاز عصری بود که حدیث شیعه در آن شکوفا و معارف آن منتشر شد. بی‌شک شخصیت عظیم علمی امام باقر علیه‌السلام، تأثیری بسزا در این شکوفایی داشت. لقب باقر، (شکافنده) (قمی، ۱۳۸۸: ص۷۶۷) به جایگاه خاص ایشان در نشر معارف الهی و روشن ساختن زوایای علوم آن اشاره دارد. در دوران امامت ایشان، هستهٔ اولیهٔ دانشمندان محدث و فقیه شیعی شکل گرفت. دربارهٔ ایشان گفته‌اند: «آن اندازه دانش که از امام باقر علیه‌السلام، در زمینهٔ تفسیر، کلام، فقه و احکام حلال و حرام بر جای مانده، از هیچ یک از فرزندان حسنین علیهماالسلام بر جای نمانده است.» (ابن‌شهرآشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۲۷) با این حال نقش ایشان در پی‌ریزی دانش‌های حدیثی و تبیین قواعد و اصول آن، امری است که متأسفانه تاکنون مفغول مانده است. همهٔ آنچه که تاکنون دربارهٔ نقش امام باقر در توسعه و ترویج دانش‌های حدیثی نگاشته شده است، در حد صفحاتی چند در لابلای کتاب‌های تاریخ حدیث است که طبعاً نمی‌تواند آینهٔ تمام‌نمای کوشش‌های ایشان باشد. از میان انبوه کتاب‌ها و مقالاتی که به بررسی ابعاد علمی شخصیت آن حضرت پرداخته‌اند، تنها مقاله‌ای با عنوان «امام باقر و حفظ و صیانت حدیث» درخور توجه و به بحث ما مربوط است. (غروی نائینی، ۱۳۸۵) مقالهٔ یادشده با وجود نقاط قوت بسیاری که دارد و از نخستین تلاش‌ها در راستای تبیین نقش امام باقر در صیانت از حدیث به شمار

می‌رود، به لحاظ اینکه تنها به موضوع جایگاه ایشان در صیانت از حدیث پرداخته و از مقولهٔ نقش آن جناب در پایه‌ریزی دانش‌های حدیثی و قواعد علم‌الحدیث غفلت نموده است، دارای کاستی‌هایی است. به هر روی مقاله حاضر در صدد رفع این کاستی برآمده و در تلاش است تا کوشش‌های آن حضرت را در حوزهٔ پی‌ریزی قواعد علم‌الحدیثی و آموزش آن به محدثان و نیز دریافت و تبلیغ حدیث بررسی نماید.

۱. شاخصه‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی دوران امام باقر علیه‌السلام

با مقایسه دوران امامت امام باقر علیه‌السلام با دوران‌های پیش و نیز دوران‌های پس از امامت فرزندش امام صادق علیه‌السلام، می‌بینیم که این دوره دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌های ممتاز و منحصر به فردی است به شرح زیر است:

۱-۱. کثرت شاگردان ایشان در مقایسه با ائمهٔ پیشین؛ به گونه‌ای که طوسی در رجال خود، تنها نام ۴۶۸ نفر را در ردیف اصحاب محدث امام باقر علیه‌السلام یاد کرده است. (طوسی، ۱۴۱۵: ص ۱۲۳-۱۵۱)

۱-۲. کثرت احادیث منقول از این امام؛ به گونه‌ای که روایات منقول از ایشان در مقایسه با سایر امامان پیشین و نیز امامان پسین، به غیر از امام صادق علیه‌السلام، بسیار در خور توجه است؛ مسند ایشان حدود شش جلد است و تنها یکی از یاران ایشان به نام محمد بن مسلم، به گفتهٔ خود، سی‌هزار مسئله از ایشان سؤال کرده است. (ابن‌شهرآشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۲۷) دربارهٔ جابر بن یزید جعفی هم گفته‌اند که او هفتادهزار حدیث از امام باقر علیه‌السلام دریافت داشته است. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۰، ص ۱۵۱)

۱-۳. کثرت کتب و اصول تألیف‌شده؛ چنان‌که گفته‌اند بیشتر اصول چهارصدگانه شیعه در این دوران و دوران امام صادق علیه‌السلام تدوین شده است. (معارف، ۱۳۷۴: ص۱۹۳)

۱-۴. کشمکش بر سر قدرت و ضعف حکومت حاکم؛ سال‌های امامت امام باقر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

مقارن با سال‌های پایانی حکومت بنی‌امیه و دوران افول قدرت آنان بود. امام باقر علیه‌السلام با پنج خلیفهٔ اموی معاصر بود (ر.ک: یعقوبی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۶۹-۳۲۰) که بیشتر آنان مدت زمان کمی فرصت حکومت پیدا کردند و همین امر در کنار عوامل دیگری مانند قیام زید (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۷۱؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۶: ج ۵، ص ۲۴۲) و به فاصلهٔ دو سال پس از آن، قیام یحیی، (ر.ک: ابن‌اثیر،۱۹۶۶: ج ۵، ص ۲۷۱) باعث شد تا میزان فشارها و کنترل‌ها بر روی امام باقر علیه‌السلام، در مقایسه با ائمه پیشین، کمتر شود و ایشان امکان برقراری ارتباط با مردم و نشر علوم اسلامی را داشته باشند.

۱-۵. صدور فرمان کتابت حدیث؛ کتابت و تدوین رسمی حدیث که از زمان خلیفهٔ دوم ممنوع شده بود، (خطیب بغدادی، ۱۹۷۴: ۵۲) در این دوره، به فرمان عمر بن عبدالعزیز لغو و فرمان کتابت و تدوین عمومی و رسمی حدیث صادر شد. (دارمی، ۱۳۴۹: ج ۱، ص ۱۲۶) این فرمان سبب شد تا زمینه برای کتابت و تدوین حدیث توسط شیعیان و برگزاری جلسات علنی آموزش حدیث توسط امام باقر علیه‌السلام آماده شود؛ هر چند شیعیان پیش از این فرمان نیز به فرمان امامان معصوم به نقل و کتابت حدیث اشتغال داشتند. (معارف، ۱۳۸۱: ص ۲۰۸)

۲. شاخصه‌های حدیث‌پژوهی در دوران امام باقر علیه‌السلام

مجموع عوامل پیش‌گفته باعث شد تا فرهنگی مخصوص در رابطه با حدیث در آن دوران شکل گیرد که مهم‌ترین شاخصه‌های این فرهنگ را در موارد زیر می‌توان شماره کرد:

۲-۱. آغاز پرسش‌گری: فتوحات به دست‌آمده و آشنایی مسلمانان با فرهنگ‌های سایر ملل باعث پیدایش شبهات و پرسش‌هایی جدید در اذهان مسلمانان این دوران شد و دانشمندان مشهور آن دوران، که از پاسخگویی به این شبهات عاجز بودند، به باب علم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روی آوردند. قتاده، که نزد بسیاری از فقها، از جمله

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

ابن‌عباس شاگردی کرده است، اذعان می‌کند که تنها نزد امام باقر علیه‌السلام حیران و مضطرب می‌گشته است. (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۹۷۹) عبدالله بن عطاء عالمان را نزد هیچ‌کس متواضع‌تر از زمانی که نزد امام باقر علیه‌السلام بوده‌اند، نمی‌بینند. او حکم بن عتیبه را نزد امام باقر به سان کودکی قلمداد می‌کند که نزد معلمش نشسته است. (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۶۰) محمد بن مسلم پاسخ همهٔ سؤالاتش را نزد امام باقر می‌یابد و حدود سی‌هزار حدیث نزد ایشان فرامی‌گیرد. (ابن‌شهرآشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ص ۳۲۷) البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که خود امام باقر علیه‌السلام در روی آوردن اصحاب به پرسش‌گری و ترغیب آنان به تحقیق و تفحص نقشی درخور داشتند؛ چنان‌که در حدیثی از ایشان می‌خوانیم:

العِلمُ خَزائنٌ وَ المِفاتِیحُ السُّؤالُ فَاسألُوا یَرحَمُکُمُ اللهُ فَإنَّهُ یُؤجَرُ فِی العِلمِ أربَعَةٌ: السّائلُ وَ المُتَکَلِّمُ وَ المستَمِعُ وَ المُحِبُّ لَهُم؛ (صدوق، ۱۳۶۲: ص ۲۴۵)

۲-۲. ارتقای علمی و فرهنگی شیعیان و اصحاب ائمه: اغلب راویان، در دوره‌های پیشین، حدیث را بیشتر برای تیمن و تبرک، می‌آموختند، اما در این دوران، با ارتقای فرهنگی اصحاب، دیگر نه فقط برای تیمن و تبرک، بلکه برای یادگیری اصولی و کشف لایه‌های ناپیدای علوم، به خوان دانش اهل‌بیت مراجعه می‌کردند. بدیهی است که سؤالات افرادی مانند زراره، حمران بن اعین، ابان بن تغلب و ...، که فقیهانی به نام بودند، نمی‌توانست از روی تیمن و تبرک باشد. امام نیز با تبیین جایگاه حدیث، یارانش را در این مسیر تأیید و یاری می‌کردند؛ ایشان حدیث اهل‌بیت را زنده‌کننده دل‌ها معرفی می‌کردند: «إنَّ حَدیثُنا یُحیی القُلوبَ.» (صدوق، ۱۳۶۲: ص ۲۲) و مردم را به تمسک به سنت پیامبر فرامی‌خواندند: «قالَ رَسولُ اللهِ: مَن تَمَسَّکَ بِسُنّتِی فِی اختِلافِ أمّتِی کانَ لَه أجرُ مِائةَ شَهیدٍ.» (برقی، ۱۳۳۰: ج ۱، ص ۲۷) و بدین‌سان، با تبیین جایگاه و اهمیت حدیث، سطح فرهنگی اصحاب و نوع دید آنان نسبت به کلام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

اهل‌بیت را ارتقا می‌بخشیدند.

۲-۳. کثرت مراجعهٔ مردم به اهل‌بیت: جایگاه ویژهٔ اهل‌بیت علیهم‌السلام در نقل احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، که در صد سال گذشته فراموش شده بود، در این دوران برای تمامی مسلمانان شناخته شد. عموم محدثان، در این دوران، بهترین سند احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را طریقی می‌دانستند که از طریق ائمهٔ اهل‌بیت به رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رسید. (عینی، بی‌تا: ج ۷، ص ۱۷۴؛ مبارکفوری، ۱۹۹۰: ج ۹، ص ۲۷۰) مجموع این عوامل باعث شد زمینهٔ خوبی برای فعالیت در عرصه علم و فرهنگ، به ویژه در عرصهٔ دانش حدیث، برای امام باقر علیه‌السلام فراهم شود. در ادامه مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان در عرصهٔ حدیث را بررسی می‌کنیم.

۳. تأثیرات امام باقر علیه‌السلام بر حدیث شیعه

۳-۱. انتشار و همگانی نمودن حدیث از طریق جلسات عمومی و خصوصی

پس از فرمان کتابت حدیث توسط عمر بن عبدالعزیز، (دارمی، ۱۳۴۹: ج ۱، ص ۱۲۶) افراد زیادی به این کار اقدام کردند. امام باقر علیه‌السلام، که با تأسی به سلف صالح خود، به فرمان منع کتابت حدیث، بی‌اعتنا بودند، (معارف، ۱۳۸۱: ص ۲۰۱) با آزاد شدن نگارش حدیث و مناسب شدن جوّ عمومی، فرصت بهتری را برای بسط دانش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان پیشین پیدا کردند. مسلمانان، به ویژه شیعیان، که ایشان را تنها وسیلهٔ مطمئن برای دستیابی به علوم پیامبر می‌دانستند، در جلسات عمومی - که در مسجد النبی، مسجد کوفه و موسم حج برگزار می‌شد- یا در جلسات خصوصی - که اغلب در منزل امام و در ساعات بین نماز ظهر و عصر و ساعات ابتدایی شب برگزار می‌شد (طوسی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۵۶)- به محضر ایشان می‌رسیدند و احادیث ایشان را ثبت و منتشر می‌ساختند. امام باقر علیه‌السلام، علاوه بر جلسات عمومی و اختصاصی، گاه نیز از روش نامه‌نگاری در نشر حدیث بهره می‌بردند؛ نامهٔ امام به سعدالخیر،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

نمونه‌ای از این نوع فعالیت‌هاست. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸ ص ۵۲)

۳-۲. نشر حدیث از طریق پایه‌گذاری سیستم ارجاع به افراد متخصص

علاوه بر روش‌های پیش‌گفته که کم و بیش در دورهٔ امامان پیشین هم از آن‌ها استفاده می‌شد، در این دوره روشی دیگر نیز برای تبلیغ و انتشار حدیث توسط امام باقر علیه‌السلام ابداع شد که سیستم ارجاع به افراد و اصحاب متخصص بود؛ امام باقر علیه‌السلام خطاب به ابان بن تغلب، از شاگردانِ فقیه خویش، فرمودند:

«در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده. من دوست دارم که افرادی مانند تو را در میان شیعیانم ببینم.» (نجاشی، ۱۴۱۵: ص ۱۰)

ایشان در پاسخ به پرسش‌های سلیم بن ابی‌حیه، او را به ابان بن تغلب ارجاع می‌دهند و روایت‌های ابان را به منزلهٔ روایت خود معرفی می‌نمایند. (نجاشی، ۱۴۱۵: ص ۱۳) امام صادق علیه‌السلام نیز عبدالله بن ابی‌یعفور را، که برای رسیدن به محضر امام با مشکلاتی مواجه است، برای یافتن پاسخ پرسش‌های خود، به محمد بن مسلم ارجاع می‌دهند؛ چرا که به بیان امام، او احادیث بسیاری را از امام باقر علیه‌السلام شنیده بوده و نزد ایشان بسیار شناخته‌شده بود. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۱۴۴)

۳-۳. نشر حدیث از طریق پایه‌گذاری فرهنگ عرضه حدیث

روش دیگر نشر حدیث که در زمان امام باقر علیه‌السلام آغاز و در دوره‌های بعد گسترش یافت، روش عرضهٔ احادیث نبوی بود؛ بدین ترتیب که محدث، حدیثی را که به واسطهٔ دیگران از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به دست آورده و در فهم معنای آن عاجر است، نزد امام علیه‌السلام می‌آورد و نخست از صحت انتساب آن به پیامبر جویا می‌شود و در صورت صحت انتساب، مفهوم آن را از امام فرامی‌گیرد. این روش بی‌تردید یکی از بهترین روش‌ها برای روایت و درایت حدیث است که تا این دوران سابقه نداشته است. به این‌گونه مراجعات در اصطلاح علم حدیث عرضهٔ حدیث گویند. (دربارهٔ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

عرضه حدیث و کیفیت و شواهد آن در زمان معصومان ر.ک: مسعودی، ۱۳۷۶: ص ۲۹-۵۴) نتیجهٔ این مراجعات صدور احادیث جدیدی بود که برخی از آنان به صورت قواعد حدیثی شناخته می‌شود. ویژگی این‌گونه قواعد حدیثی آن است که مقیاس صحیح و راهکار مواجهه با احادیث را برای محدثان و فقیهان روشن می‌سازد. برای مثال در روایتی از امام باقر علیه‌السلام می‌خوانیم:

«اِنَّ حدیثُنا صَعبٌ مستصعبٌ لایؤمنُ بِهِ اِلا ملکٌ مقربٌ اَو نبیٌ مرسلٌ اَو عبدٌ امتحنَ اللهُ قلبَه للاِیمانِ فَما عرفَت قُلوبُکم فَخُذُوه وَ ما اَنکَرت فَرُدُّوهُ اِلَینا» (صفار، ۱۳۶۲: ص ۴۱)

قاعده‌ای که از این حدیث می‌توان برداشت کرد، پرهیز از تکذیب و انکار شتاب‌زدهٔ حدیث است؛ چرا که انکار شتاب‌زده ممکن است به انکار سخن معصوم بیانجامد و انکار سخن معصوم، کفر است؛ چنان‌که در نقل دیگری از روایت فوق هم در ذیل حدیث به این مطلب اشاره شده است:

«وإنَّما الْهالِكُ أنْ يُحَدَّثَ أحَدُكُمْ بِشَيءٍ مِنْهُ لا يَحْتَمِلُهُ، فَيَقُولُ: "وَاللهِ مَا كانَ هَذا وَاللهِ مَا كانَ هَذا" وَالإنْكارُ هُوَ الْكُفْرُ.» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۰۱)

۳-۴. گستراندن عرضهٔ احادیث نبوی

امام باقر علیه‌السلام در جامعه‌ای می‌زیست که به سبب وجود حاکمانی نااهل، در طول ده‌ها سال از سنت و سیرهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فاصله گرفته بود و سنت پیامبر فراموش شده بود. ایشان با بیان احادیث پیامبر سعی می‌نمودند تا مردم را با فرهنگ ناب نبوی آشنا سازند و سنت و سیرهٔ ایشان را در جامعه احیا نمایند. امام پیوسته به راوی بودن خود تأکید می‌کرد؛ چنان‌که خطاب به جابر می‌فرماید:

«ای جابر، به خدا سوگند اگر ما از جانب خودمان برای مردم حدیث بگوییم، یقیناً هلاک خواهیم شد؛ آنچه که ما برای مردم بیان می‌کنیم، برگرفته از احادیث نبوی است که از بزرگان و پیشینیان به ما به ارث رسیده است و از این سخنان،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

آن‌چنان که مردم از طلا و نقره‌شان نگهداری می‌کنند، محافظت می‌نماییم.» (صفار، ۱۳۶۲: ص ۳۲۰)

و نیز در پاسخ جابر که از امام می‌خواهد، هرگاه حدیثی برای او بازگو می‌کند، سندش را نیز بیان کند، می‌فرماید:

«حَدَّثَنِی اَبی عَن جَدّی عَن رسولِاللهِ عَن جَبرئیلَ عَن اللهِ تَبارَکَ و تَعالی وَ کُلُّ ما اُحَدِّثُکَ بِهذَا الإسنادِ.» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۹۸)

۳-۵. ترغیب به حدیث‌پژوهی

یکی از اقدامات حدیثی امام باقر علیه‌السلام ترغیب مردم به حدیث‌پژوهی و فراگرفتن حدیث است. این امر بیشتر از طریق بیان و تبیین پاداش عالمان و متعلمان انجام شده است؛ چنان‌که در حدیثی از ایشان می‌خوانیم:

إنَّ الّذِی تَعَلّمَ العِلمَ مِنکُم لَه مِثلُ أجرُ الّذِی یُعلّمُه وَ لَه الفَضلُ عَلَیه تَعَلّمُوا العِلمَ مِن حَمَلَۀِ العِلمِ وَ عَلّمُوهُ إخوانَکُم کَما عَلَّمَکُم العُلَماءُ. (صفار، ۱۳۶۲: ۲۴)

امام، علاوه بر ترغیب مردم به دانشجویی، عالمان را نیز به آموزش دادن به دیگران ترغیب می‌کردند:

مَن عَلّمَ بابَ هُدیً فَلَهُ مِثلُ أجرُ مَن عَمِلَ بِهِ وَ لایَنقُصُ أولئِکَ مِن أجُورِهِم شَیئاً. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۵)

۳-۶. تربیت شاگردان زبده

مناسب بودن شرایط عمومی جامعه موجب شد راویان، عالمان و فقیهان از تودهٔ مردم متمایز شوند. در دوره‌های پیشین، کمتر افرادی پیدا می‌شدند که تمام زندگی خود را وقف حدیث و دانش نمایند و اغلب محدثان، ضمن آنکه به کسب و کار روزمره می‌پرداختند، در کنار آن به نقل روایات پیامبر نیز اهتمام می‌ورزیدند. اما در این دوران شرایطی فراهم شد که برخی از مردم، توانستند تمام وقت خود را صرف حدیث و دانش نمایند و حوزه‌ها و جلسات درس و بحث فراهم کنند و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

حتی از این راه ارتزاق نمایند. این امر باعث شد افرادی متخصص و زبده در علوم و فنون حدیث تربیت یابند. امام باقر علیه‌السلام پیشگام عرصهٔ تربیت افراد متخصص و صاحب رأی در حدیث و تفسیر و سایر علوم بودند. طوسی در رجال خود، نام ۴۶۸ نفر را در ردیف اصحاب محدث امام باقر علیه‌السلام یاد کرده است. (طوسی، ۱۴۱۵: ص۱۲۳-۱۵۱) ایشان به حدی به شاگردان خود توجه داشتند که در آستانهٔ شهادتشان، فرزندشان امام صادق علیه‌السلام را به تعلیم و تربیت آن‌ها سفارش می‌کند و امام صادق علیه‌السلام، در پاسخ پدرشان عرض می‌کنند:

«آنان را به گونه‌ای پرورش می‌دهم که از جهت علوم دینی به کمال برسند و در هر شهری که باشند، به دانش شخص دیگری نیازمند نباشند.» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۰۶)

از مهم‌ترین این افراد، زراره بن اعین، معروف بن خربوذ، برید بن معاویه، فضیل بن یسار، ابوبصیر اسدی و محمد بن مسلم را می‌توان نام برد که به گروه اول اصحاب اجماع معروف‌اند. (طوسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۵۰۷) امام صادق علیه‌السلام از چهار نفر از یاران مشترک خود و پدر بزرگوارشان بسیار نام برده و آنان را با عباراتی همچون أربعةُ نُجَباء، أمناءُ اللهِ علی حلالِه و حرامِه (طوسی: ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۹۸)، القَوّامُونَ بِالْقِسْطِ، السّابِقُونَ السّابِقون (طوسی: ۱۴۰۴: ج۱، ص ۳۹۹)، أوتادُ الارضِ، أعلامُ الدینِ (طوسی، ۱۴۰۴: ج۲، ص۵۰۷)، حُفّاظُ الدّینِ و أمناءُ أبی (طوسی، ۱۴۰۴: ج۱، ص ۳۴۸) می‌ستود و ایشان را به بهشت بشارت می‌داد. عظمت و کارایی این گروه به اندازه‌ای است که امام صادق علیه‌السلام در رثای آنان می‌فرمایند:

«اگر آنان نبودند آثار نبوت منقطع می‌شد و از بین می‌رفت.» (طوسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۹۸)

و می‌فرمودند:

«ایشان، چه در دنیا باشند و چه از دنیا رفته باشند، همواره زینت شیعه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

هستند.» (طوسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۵۰۸)

همچنین ایشان دربارهٔ جمعی از یاران پدرشان می‌فرمایند:

«کسی را نیافتم که یاد ما و احادیث پدرم را زنده نماید؛ مگر زراره، ابوبصیر مرادی، محمد بن مسلم و برید بن معاویه و اگر ایشان نبودند کسی را توان یافتن و استنباط راه هدایت نبود. آنان پاسداران دین و امینان پدرم بودند.» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۱۴۴؛ طوسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۴۸)

۳-۷. تاثیرگذاری بر محدثان اهل‌سنت

از دیگر فعالیت‌ها و اقدامات امام باقر علیه‌السلام در عرصهٔ حدیث، می‌توان بر تأثیر بسزای ایشان بر محدثان عامه اشاره کرد. منع نگارش حدیث باعث کمبود منابع در عرصهٔ حدیث شد و این امر بیش از همه کار محدثان اهل‌سنّت را دشوار ساخت. آنان از بیشتر احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اطلاع کامل نداشتند و شاید همین امر باعث شد که به قیاس و استحسان روی آورند. پس از رفع ممنوعیت تدوین حدیث، آنان که سال‌های سال از گنجینهٔ روایات نبوی محروم بودند، در جستجوی احادیث پیامبر، به امام باقر علیه‌السلام و پس از ایشان به امام صادق علیه‌السلام رسیدند و ایشان را گنجینه‌ای از دانش یافتند و به همین سبب پای درس ایشان نشستند و این امر مقدمات تأثیرگذاری ایشان بر محدثان اهل‌سنت را فراهم ساخت. بسیاری از راویان غیرشیعی، روایت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را از صادقین علیهماالسلام نقل کرده‌اند. حجاج بن ارطاه، حکم بن عتیبه، سلیمان بن اعمش، عبدالله بن عطاء، عبدالرحمان اوزاعی، عبدالملک بن جریج، عطاء بن ابی‌رباح، ابن‌شهاب زهری، ابواسحاق سبیعی و ... از مهم‌ترین راویان اهل‌سنت هستند که از امام باقر حدیث نقل کرده‌اند. (مزی، ۱۹۸۵: ج ۲۶، ص ۱۳۹) سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، شعبه بن حجاج، ضحاک بن مخلد، عبدالعزیز بن عمران زهری، عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج، مالک بن انس، ابوحنیفه، یحیی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

بن سعید قطان و ... نیز از مهم‌ترین محدثان اهل‌سنت هستند که از امام صادق علیه‌السلام روایت نقل کرده‌اند. (مزی، ۱۹۸۵: ج ۵، ص ۷۵) برخی از آن‌ها مثل اعمش، (صفار، ۱۳۶۲: ص ۷۷، ۲۱۱، ۴۳۶؛ طوسی، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۱۵۸؛ ۱۳۶۴: ج ۹، ص ۳۱۵، حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص۲۹۵، ۳۹۰؛ ج۳، ص۴۸، ۷۹، ۱۸۲، ۳۰۶ و ...) و اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی، (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص۱۲، ۲۳، ۴۶، ۷۱؛ ج۲، ص۴۷، ۵۴، ۷۹ و ...) و افراد دیگر، روایاتشان در جوامع شیعی هم نقل شده و موثق تلقی می‌شود.

در مجموع در مهم‌ترین منابع حدیثی اهل‌سنت، اعم از صحاح و سنن و مستدرکات آن‌ها، حدود ۵۴۲ روایت و با حذف مکررات ۳۳۴ روایت از امام باقر آمده است که این میزان روایت، در مقایسه با تعداد روایات ائمه پیش از امام باقر در منابع اهل‌سنت، به جز روایات امام علی علیه‌السلام، عددی درخور توجه است؛ هرچند در مقایسه با سایر افرادی که اهل‌سنت آن‌ها را هم‌طبقهٔ امام باقر می‌دانند، تعداد روایات کمتری از ایشان گزارش کرده‌اند. (جهت اطلاع از میزان رویکرد اهل‌سنت به روایات امام باقر ر.ک: امینی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۸)

۳-۸. تبیین راهکارهای دریافت، نقد و فهم حدیث

یکی از اقدامات امام باقر علیه‌السلام در حوزهٔ حدیث، تبیین برخی قواعد و چارچوب‌های کلی علم حدیث و راهکارهای دریافت، نقد و فهم حدیث است که در ادامه به برخی از این قواعد اشاره می‌کنیم:

۳-۸-۱. تبیین حجیت کلام اهل‌بیت

یکی از مباحث اساسی در دانش حدیث، حجیت کلام معصومان است. در صدر اسلام برخی از مسلمانان با سر دادن شعار انحرافی «حَسبُنا کِتابَ‌اللهِ» (بخاری، ۱۹۸۸: ج ۵، ص ۱۳۸) و پس از آن منع تدوین حدیث، (ابوریه، بی‌تا: ص ۴۷) بنای انحراف از سنت و سیره پیامبر و معصومان را پی‌ریزی کردند. امام باقر علیه‌السلام در راستای مبارزه با این

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

انحراف و ترغیب مردم به پیروی از سنت پیامبر و معصومان، به تبیین دلایل حجیت کلام اهل‌بیت می‌پرداختند؛ چنان‌که به نقل از پیامبرﷺ می‌فرمایند:

فِی کُلِّ خَلفٍ مِن أمّتِی عَدلاً مِن أهلِ‌بَیتِی یَنفِی عَن هذَا الدِّینِ تَحرِیفَ الغالِینَ وَ انتِحالَ المبطِلِینَ وَ تأویلَ الجُهّالَ وَ إنَّ أئِمّتَکُم وَفدُکُم إلَی اللهِ فَانظُرُوا مَن تُوفدُوا فِی دِینِکُم وَ صَلَواتِکُم. (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۷۷) «پس از من، در هر دوره‌ای، فردی عادل از اهل‌بیت من در میان مردم خواهد بود که تحریفات دین را می‌زداید و اقدامات دشمنان را باطل می‌سازد و تأویلات افراد جاهل را نفی می‌کند. به راستی که پیشوایان شما نماینده شما نزد خدا هستند؛ پس بنگرید که چه کسانی را در دین و باورهایتان به نمایندگی انتخاب می‌کنید.»

۳-۸-۲. توجه دادن به لزوم دقت در سماع حدیث

یکی از مسائل مهم در علم حدیث، کیفیت تحمل حدیث است. در میان طرق تحمل حدیث نیز روش «سماع»، بنا به دلایلی، از جمله ارتباط مستقیم راوی با شیخ حدیث، جایگاه ویژه‌ای دارد. (دربارهٔ طرق تحمل حدیث و اصول و قواعد مربوط به آن ر.ک: مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۲- ب: ص۱۷۰) امام باقرؑ، راویان را به دقت در سماع فرا می‌خوانند؛ چنان‌که می‌فرمایند:

إذا جَلَستَ إلی عالِمٍ فَکُن عَلی أن تَسمَعَ أحرصُ مِنکَ عَلی أن تَقُولَ وَ تَعَلّم حُسنَ الإستِماعِ کَما تَتَعَلّمُ حُسنَ القَولِ وَ لاتَقطَع عَلی أحدٍ حَدیثَهُ؛ (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۱، ص ۲۲۲) «زمانی که نزد عالمی نشستی، برای شنیدن، از سخن گفتن حریص‌تر باش؛ خوب گوش دادن را فرا بگیر همان‌گونه که خوب سخن گفتن را یاد می‌گیری. سخن کسی را که حدیث می‌گوید، قطع نکن.»

نکتهٔ جالب در این حدیث، پرهیز از قطع نمودن کلام شیخ حدیث است؛ چرا که قطع نابجای سخن شیخ حدیث ممکن است به تقطیع حدیث بیانجامد که خود آفتی در حدیث به شمار می‌رود. (دربارهٔ تقطیع حدیث و پیامدها و شرایط آن، ر.ک: مدیرشانه‌چی،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

۱۳۷۲- الف: ص ۱۲۸) امام در حدیثی دیگر حتی مراحل تحمل و ادای حدیث را نیز تبیین کرده و آن را در خوب شنیدن، خوب حفظ کردن، عمل کردن به آموخته‌ها و انتشار و همگانی نمودن آن خلاصه کرده‌اند:

عَن جَعفَر بنِ مُحمّد عَن أبیهِ قالَ: جاءَ رَجُلٌ إلَی النّبِیِّ فَقالَ: یا رَسولَ اللهِ مَا العِلمُ؟ قالَ: الإنصافُ، قالَ ثُمَّ مَه؟ قالَ: الإستِماعُ لَه، قالَ: ثُمَّ مَه؟ قالَ: الحِفظُ لَه، قالَ: ثُمَّ مَه؟ قالَ: العَمَلُ بِهِ، قالَ: ثُمَّ مَه؟ قالَ: نَشرُهُ. (صدوق: ۱۳۶۲: ص ۲۸۷)

۳-۸-۳. توجه دادن به مسئلهٔ پرهیز از اعتماد به راویان ضعیف

یکی دیگر از اصول علم روایت حدیث، پرهیز از اعتماد به راویان ضعیف است. امام باقر علیه‌السلام در این زمینه نیز سخنان درخور توجهی دارند؛ چنان‌که می‌فرمایند:

مَن عَرَفَ مِن عَبدٍ مِن عُبَیدِاللهِ کِذباً إذا حَدّثَ وَ خُلفاً إذا وَعَدَ وَ خِیانَةً إذا ائتَمَنَ ثُمَّ ائتَمَنَهُ عَلی أمانَةٍ کانَ حقاً عَلَی اللهِ أن یَبتَلیَهُ فِیها ثُمّ لا یُخَلّفَ علیهِ وَ لا یأجُرَه؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۹، ص ۸۸) هرکس دروغ بنده‌ای را بفهمد یا خلف وعده‌اش را ببیند و بر خیانتش شاهد باشد و با این حال او را بر امانتی، امین گرداند، بر خداست که او را در آن مسئله دچار مصیبت کند و هیچ پاداشی بر او قرار ندهد.

بدیهی است که احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام یکی از مهم‌ترین مصادیق امانت است که می‌تواند مشمول این سخن امام قرار بگیرد. امام در جای دیگر، مردم را از روی آوردن به دانشمندان ستمگر و نیز عابدان جاهل نهی می‌کنند؛ چرا که هر دو گروه یادشده از مهم‌ترین عوامل انحراف و گمراهی به شمار می‌روند. (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۱، ص ۲۰۷)

۳-۸-۴. توجه دادن به لزوم اعتماد به راویان موثق

امام، علاوه بر نهی مردم از اعتماد به راویان غیرقابل اعتماد، آنان را به پی‌جویی دربارهٔ راویان و شناسایی راویان موثق و اخذ سخنان آنان فرامی‌خواند. ایشان دربارهٔ آیهٔ ﴿فَلْیَنظُرِ الْإِنسَانُ إِلَی طَعَامِهِ﴾ (عبس/۲۴) یکی از مصادیق طعام را دانشی می‌داند که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

انسان به دست می‌آورد و اینکه انسان باید دقت کند که دانش خود را از چه کسی فرامی‌گیرد. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص۵۰) ایشان می‌فرمایند:

سارِعُوا فِی طَلَبِ العِلمِ فَوَالّذِی نَفسِی بِیَدِهِ لَحَدیثٌ واحِدٌ فِی حَلالٍ وَ حَرامٍ تَأخُذُهُ عَن صادِقٍ خَیرٌ مِنَ الدّنیا وَ مَا حُمّلَت مِن ذَهَبٍ وَ فِضّهٍ؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۹۸)

۳-۸-۵. تبیین بحث وجود احادیث جعلی

یکی از مسائل علم حدیث، پذیرش وجود احادیث جعلی است؛ چنان‌که بپذیریم احادیث جعلی در منابع روایی ما کم و بیش وجود دارد، ضرورت علم رجال و دانش‌های مرتبط با کشف احادیث مجعول نیز از این رهگذر تبیین می‌شود. امام باقر علیه‌السلام با استناد به سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، وجود احادیث جعلی و دروغین را در لابلای میراث حدیثی موجود در میان مسلمانان تأیید و در این زمینه به مؤمنان هشدار می‌دهند. (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۹۲) امام حتی در موارد لازم نمونه‌هایی از احادیث جعلی را که در میان مردم مشهور شده است، ذکر و جعلی بودن آن‌ها را اثبات نموده‌اند؛ چنان‌که می‌فرمایند:

إنّ أوّلَ مَن استَحَلَّ الأمَراءَ العَذابَ لَکذبهٌ کَذَبَها أنسُ بنُ مالكٍ عَلی رسولِ اللهِ صلّی اللهُ علیهِ و آلِهِ وَ سَلّمَ سمّر یدَ رَجُلٍ إلی الحائطِ وَ مِن ثَمّ استَحَلَّ الأمراءُ العذابَ؛ (صدوق، ۱۹۶۶: ج ۲، ص ۵۴۱) نخستین چیزی که شکنجه نمودن را برای حکام جایز قلمداد کرد، دروغی بود که انس بن مالک بر رسول خدا بست که پیامبر دست مردی را با میخ به دیوار کوفت. و از اینجا بود که شکنجه کردن حلال شمرده شد.

امام در این سخن، نه تنها جاعل و مجعول را معرفی می‌کنند، بلکه پیامدهای آن را نیز یادآور شده‌اند.

۳-۸-۶. ابداع شیوهٔ مشیخه‌نویسی

یکی از روش‌های محدثان برای اختصار اسناد، روش مشیخه‌نویسی است؛ به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

این صورت که احادیث را بدون ذکر اسناد در کتاب خود می‌آورند و آنگاه در آخر کتاب یا در جای دیگر، طرق خود را به راویان و کتب به طور مفصل گزارش می‌کنند و بدین ترتیب از تکرار اسناد جلوگیری می‌کنند. (ر.ک: مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۲- الف: ص ۲۲) شاید بتوان گفت که حدیث معروف امام باقر علیه‌السلام خطاب به جابر، بتواند اولین سنگ بنای مشیخه‌نویسی باشد. در این حدیث جابر از امام می‌خواهد که هرگاه حدیثی برای او بیان می‌کند، سند آن را نیز بازگو کند. امام در پاسخ به او به سند «حَدَّثَنِی اَبِی عَن جَدِّی عَن رَسولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله عَن جبرئیلَ عنِ اللهِ تبارکَ و تعالی» اشاره فرموده و سپس فرمودند:

«هرگاه برای تو حدیثی بازگو می‌کنم، سند آن، این است.» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۹۷)

۳-۸-۷. تبیین اصول نقد متن حدیث

یکی از مسائل مهم در دانش حدیث، مبانی و اصول نقد متن روایات و شناسایی روایت‌های مجعول است. امام در این زمینه نیز با ارائهٔ راهکارهایی، محدثان را راهنمایی و باب‌هایی را پیش روی آنان گشوده‌اند؛ چنان‌که در حدیثی به نقل از پیامبر، مخالفت حدیث با قرآن را یکی از معیارهای شناسایی حدیث مجعول معرفی می‌کند: «سَیُکذَبُ عَلَیَّ کاذبٌ کَما کُذُبَ عَلی مَن کانَ قَبلی فَما جاءَکُم عَنّی مِن حَدیثٍ وَافَقَ کِتابَ اللهِ فَهُوَ حَدِیثِی وَ مَا خَالَفَ کِتابَ اللهِ فَلَیسَ مِن حَدیثِی» (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۹۲) ایشان، در جای دیگر موافقت حدیث با سنت قطعی پیامبر را ملاک تشخیص صحت حدیث معرفی می‌فرماید؛ چنان‌که به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «مَن تَمَسَّکَ بِسُنّتِی فِی اختِلافِ أمّتِی کانَ لَه أجرُ مِائةَ شَهیدٍ.» (برقی، ۱۳۳۰: ج ۱، ص ۲۷) که یکی از مهم‌ترین مصادیق اختلاف، اختلاف بر سر صحت یا عدم صحت حدیث است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

۳-۸-۸. پرهیز از انکار شتاب‌زدهٔ حدیث

گفتیم که شناسایی احادیث مجعول، امری مهم در دانش حدیث است. با این حال باید توجه داشت که افراط در این امر نیز ممکن است موجب گمراهی شود؛ چرا که گاه سطحی‌نگری در این زمینه ممکن است به رد سخن معصوم بیانجامد که پیامد آن کفر و انحراف است. امام در بیانی شیوا و مشهور، مؤمنان را از این خطر آگاه و در این زمینه به آن‌ها هشدار می‌دهند؛ آنجا که می‌فرمایند:

اِنَّ حدیثُنا صَعبٌ مستصعبٌ لایؤمنُ بِهِ اِلا ملکٌ مقربٌ اَو نبیٌ مرسلٌ اَو عبدٌ امتحنَ اللهُ قلبَه للاِیمانِ فَما عرفَت قُلوبُکم فَخُذُوه وَ ما اَنکَرت فَرُدُّوهُ اَلینا و إنَّما الْهالِکُ أنْ یُحَدَّثَ أحَدُکُمْ بِشَیءٍ مِنْهُ لا یَحْتَمِلُهُ، فَیَقُولُ: "وَاللهِ مَا کانَ هَذا وَاللهِ مَا کانَ هَذا،" وَالإنْکارُ هُوَ الْکُفْرُ. (صفار، ۱۳۶۲: ص ۴۱؛ کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۰۱)

۳-۹. معرفی غالیان و منحرفان و راویان غیرقابل اعتماد و برخورد با آنان

با صدور فرمان تدوین حدیث، با توجه تشنگی پدیدآمده از منع قبلی که دهها سال به طول انجامیده بود، حدیث‌نویسی و کتابت رسمی و عمومی حدیث به طور گسترده‌ای آغاز شد. بدیهی است که در این میان، بسیاری از احادیث ساختگی نیز، که در طول سال‌های ممنوعیت کتابت حدیث، با حمایت بنی‌امیه و به دست جاعلان حدیث جعل شده و بخشی از فرهنگ مسلمانان را شکل داده بود، با نام حدیث، در متون حدیثی وارد شد. این نوشته‌ها، که اغلب بدون نظارت دقیق و نقد جدی، به طور گسترده در محافل علمی و عمومی مسلمانان ارائه می‌شد، آفتی برای حدیث به شمار می‌رفت. علاوه بر این، آفتی خاص گریبان شیعه را گرفته بود و آن جریان غالیان بود که دست جعل آنان، جریان حدیث شیعه را آلوده می‌کرد. ماجرای قصه‌پردازان و داستان‌های دروغین و اسرائیلی آنان هم کم و بیش در جامعهٔ اسلامی رواج داشت. مجموع این عوامل باعث می‌شد که ساحت مقدس حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به احادیث جعلی و دروغین آلوده شود و عموم مردم هم که توانایی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

شناخت حدیث مجعول از غیرمجعول را نداشتند، به همهٔ این احادیث به دیدهٔ قبول می‌نگریستند. در این فضای آشفته که گاه شناسایی افراد دروغگو و مغرض غیرممکن می‌نمود، امام به معرفی و رسوا نمودن راویان کذاب و دروغگو و جاعل می‌پرداختند تا مؤمنان از مراجعه به آنان خودداری کنند. یکی از این افراد بنان است که امام او را معرفی و و لعن نموده و کذب او را آشکار ساخته است. (طوسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۵۹۰)

۳-۱۰. بر جای نهادن میراث حدیثی منحصر به فرد

یکی دیگر از اقدامات امام باقر علیه‌السلام در حوزهٔ علوم حدیث، بر جای نهادن میراث حدیثی منحصر به فرد است. آنچه از احادیث ایشان در زمینه‌های مختلف به دست ما رسیده است، نشان از فعالیتی فراگیر در همهٔ حوزه‌های علوم اسلامی دارد. از آنجا که ژرف‌پژوهی و سؤال از دلیل قرآنی و غیر قرآنی احکام و معارف، مطرح ساختن شبهه‌های متنوع در حضور امام، پرسش دربارهٔ ملاحم و فتن دوره‌های پیشین، سؤال از تفسیر قرآن و عرضهٔ آیات و روایات بر ایشان و کندوکاو در تمامی مباحث علمی، فلسفی و کلامی از ویژگی‌های راویان و محدثان این دوره است، لذا موقعیت این دوران اقتضا می‌نمود که امام باقر علیه‌السلام در تمامی علوم اسلامی سخن بگوید و در حافظهٔ تاریخ، میراث پربهایی را از خود به یادگار گذارد. (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۶۲) در ادامه به حوزه‌های مختلفی که آثاری از امام باقر علیه‌السلام در آن به دست ما رسیده است، اشاره می‌کنیم:

۳-۱۰-۱. میراث حدیثی امام باقر علیه‌السلام در زمینه قرآن و تفسیر آن

سفارش امام باقر علیه‌السلام به خواندن، حفظ کردن، تدبر در قرآن و عمل به آن در بسیاری از متون حدیثی آمده است. (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ص ۵۲) امام باقر علیه‌السلام از صوتی خوش بهره‌مند بودند؛ چنان که دربارهٔ ایشان آمده است که از خوش

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

صداترین مردم در تلاوت قرآن به شمار می‌رفتند. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۶۱۶) علاوه بر این، ایشان در زمینهٔ تفسیر قرآن و تبیین قواعد آن نیز اقدامات ارزنده‌ای به سامان رسانده‌اند. قتاده، فقیه و مفسر بصره به حضور امام باقر علیه السلام می‌رسد. امام، برای امتحان او تفسیر آیه‌ای را از او می‌پرسد که وی آن آیه را با رأی خود تفسیر می‌کند. آنگاه امام، او را از تفسیر به رأی بر حذر می‌دارند و آن را عامل هلاک و اهلاک معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

وَیْحَکَ یا قَتادَهُ إنّما یَعرِفُ القرآنَ مَن خُوطِبَ بِهِ؛ (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸ ص۳۱۲) وای بر تو ای قتاده، قرآن را فقط کسی [کامل] می‌شناسد که مخاطب واقعی قرآن است.

در روایات تفسیری امام باقر علیه السلام گاه تبیین مفهوم یک آیه مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که در تبیین آیهٔ ﴿وَمَن یَحْلِلْ عَلَیْهِ غَضَبِی فَقَدْ هَوَی﴾ (طه/۸۲) آن را به معنای طرد و عقاب الهی دانسته‌اند. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۱۰) گاه به بیان شأن نزول یا سبب نزول آیه پرداخته‌اند؛ چنان‌که دربارهٔ آیهٔ ﴿فَکُبْکِبُواْ فِیهَا هُمْ وَ الْغَاوُونَ﴾ (شعراء/۹۴) فرموده‌اند که این آیه دربارهٔ قومی نازل شده است که حق را با زبانشان توصیف کردند، اما در مقام عمل با آن مخالفت نمودند. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۸) گاه نیز به بیان مصادیق یک آیه پرداخته‌اند؛ چنان‌که در معرفی مصداق اتم ﴿هَلْ یَستَوِی الَّذِینَ یَعلَمُونَ و الَّذِینَ لایَعلَمُون إنَّما یَتَذَکرُ أولُواالأَلبابِ﴾ (زمر/۹) فرمودند:

إنَّمَا نَحنُ الّذِینَ یَعلَمُونَ وَ الّذِینَ لا یَعلَمونَ عَدُوُّنا وَ شِیعَتُنا أُولُوا الألبابِ. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۱۲)

گاه نیز به تبیین آیات متشابه پرداخته و مراد آیه را روشن نموده است؛ چنان‌که در پاسخ به سؤالی دربارهٔ ید و انتساب آن به «الله» به کاربست مجازی ید در قدرت اشاره کرده و فرموده‌اند:

«ید به معنای دست، در کلام عرب به قوت و نعمت هم معنا می‌شود؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَ اذْکرْ عَبدَنا داودَ ذا الأیْدِی﴾ (ص/۱۷) و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

می‌فرماید: ﴿و ٱلسَّماءَ بَنَيناهَا﴾؛ (ذاریات/۴۷) ... و وقتی گفته می‌شود: "فلانی نزد من دست‌های بسیاری دارد،" مراد این است که احسان، نیکویی و کرامت دارد و در عبارت «لَهُ عِندی یَدٌ بَیضاءُ»، ید به معنای نعمت است. (صدوق، ۱۳۸۸: ص۱۶)

به هر روی بخشی از فعالیت‌های حدیثی امام باقر علیه‌السلام، به حوزهٔ روایات تفسیری مربوط می‌شود. ابن‌ندیم کتابی با عنوان تفسیر قرآن را به امام باقر علیه‌السلام نسبت داده است که ابوالجارود از ایشان روایت کرده است. (ابن‌الندیم، بی‌تا: ص ۳۶) به نظر می‌رسد که این تفسیر، همان تفسیر ابوالجارود معروف است که بخش‌هایی از آن در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی آمده است. (معرفت، ۱۳۸۰: ج ۲، ص۱۶۰ و ص ۱۸۳) به جز ابوالجارود، ابان بن تغلب (ابن‌الندیم، بی‌تا: ص ۲۷۶) و جابر بن یزید جعفی (بغدادی، بی‌تا-ب: ج ۱، ص ۲۴۹؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۳: ج ۴، ص۲۵۰) نیز کتاب‌هایی در تفسیر داشته‌اند که باید برگرفته از روایات تفسیری امام باقر علیه‌السلام باشد.

۳-۱۰-۲. میراث حدیثی امام باقر علیه‌السلام در زمینهٔ اعتقادات

در دهه‌های نخستین اسلام مباحث اعتقادی چندان در میان تودهٔ مردم رواج نداشت، اما در دوران امام باقر علیه‌السلام، با رواج مباحث کلامی و اعتقادی در میان مردم، پرسش‌های اصحاب نیز در این زمینه رو به فزونی نهاد و چنین شد که بخشی از میراث حدیثی امام باقر علیه‌السلام را مباحث اعتقادی تشکیل داد؛ چنان‌که کمتر صفحه‌ای از صفحات کتاب التوحید *اصول کافی* را می‌توان مشاهده کرد که روایتی از امام باقر علیه‌السلام یا فرزند وی در آن نباشد؛ برای مثال زراره می‌گوید:

از امام باقر علیه‌السلام پرسیدم: «آیا زمانی بوده که خدا باشد، ولی چیزی نبوده باشد؟» امام فرمود: «آری. خدا بوده و چیزی نبوده است.» پرسیدم: «پس خدا کجا بوده است؟» امام باقر علیه‌السلام که به پشتی خویش تکیه داده بودند، راست نشستند و فرمودند: «ای زراره، سخنِ محالی گفتی؛ چرا که از مکانِ لامکان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

پرسیدی.» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۹۰؛ مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۵۴، ص ۱۶۰)

از دیگر مسائل اعتقادی مورد بحث در این دوره مسئلهٔ صفات خداست. امام علیه‌السلام، در این زمینه، با نفی گرایش‌های افراطی تعطیل و تشبیه، بر تنزیه ذات باری از هرگونه کیفیت و ویژگی‌های جسمانی تأکید و ازلی بون صفات ذات، همانند علم، را تبیین کرده است. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص۱۰۷)

۳-۱۰-۳. میراث حدیثی امام باقر علیه‌السلام در زمینهٔ فقه و احکام شرعی

بیشترین احادیث نقل‌شده از امام باقر علیه‌السلام در موضوع فقه است. از آنجا که احکام فقهی از مسائل مورد ابتلا و روزمرهٔ مسلمانان و شیعیان بود، فهم آن احکام یکی از دغدغه‌های اصلی مردم عادی و فقیهان فرهیخته گردید. علاوه بر این، تغییرات و تحولات پدیدآمده پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله موجب دوگانگی فرهنگ فقهی شیعه و اهل‌سنّت شد و این دوگانگی باعث کثرت سؤال در این موضوعات گردید. گذشته از این‌ها، تدوین احادیث فقهی و نقل آن از طرق صحیح و قابل اعتماد به امری رایج نزد اصحاب امام در این دوران تبدیل شد و این امر موجب شد که مجموعهٔ عظیمی از این احادیث به نسل‌های آینده انتقال یابد. با مراجعه به کتاب *وسائل الشیعه*، که تنها به بیان احادیث فقهی پرداخته است، روایات نسبتاً فراوان امام باقر علیه‌السلام در فقه را می‌توان ملاحظه کرد. روایات نقل‌شده از ایشان از جهت کثرت، پس از روایات امام صادق علیه‌السلام، در ردهٔ دوم قرار دارد که متون برخی از این احادیث با سلسله‌سند امامان معصوم به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رسد.

۳-۱۰-۴. میراث حدیثی امام باقر علیه‌السلام در زمینهٔ اصول استنباط

آموزش اصول، قواعد کلی اجتهاد و استنباط، روش اجتهاد و پرورش شاگردان فقیه از دیگر فعالیت‌های امام باقر علیه‌السلام است. بی‌شک پرورش این شاگردان و ورزیده ساختن آنان، نیازمند تبیین قواعد این دانش است. فرمان امام باقر علیه‌السلام به ابان بن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

تغلب مبنی بر نشستن در مسجد و افتاء برای مردم هم نمایان‌گر به بار نشستن این تلاش‌هاست. (نجاشی، ۱۴۱۵: ص۷۳) بر این اساس می‌توان بخشی از قواعد علم اصول استنباط را در احادیث امام باقر علیه‌السلام ردیابی کرد. برای نمونه قاعدهٔ فراغ از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است:

«کلّ ما شَککتَ فیهِ مِمَّا قَد مَضَی فَامضِهِ کمَا هُو؛ هرگاه در چیزی که محل و زمان آن گذشته است شک کردی، بنا را بر آنچه باید باشد، بگذار». (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۲۳۸)

قاعدهٔ لاضرر نیز توسط امام باقر علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۸، ص ۳۲) مبانی و معیارهایی مثل اشتهار حدیث در میان اصحاب، استناد به قول اعدل و اوثق، مخالفت حدیث با مذهب عامه، عمل به احتیاط و ... هم که در علاج اخبار متعارض از آن‌ها استفاده می‌شود، توسط امام باقر علیه‌السلام تبیین شده است. (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۲، ص ۲۴۵؛ عطاردی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۱۷۰) علاوه بر این، امام با قیاس و رأی در حوزهٔ احکام فقه مخالفت کرده و در جای‌جای سخنان خود این امر را مورد نکوهش قرار داده‌اند. به باور امام هرکس به رأی خود افتاء کند، حلال خدا را حرام و حرام او را حلال می‌گرداند. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۵۸) امام در بیانی در نکوهش قیاس فرموده‌اند:

«إنّ السُّنّهَ لا تُقاسُ وَ کَیفَ تُقاسُ السُّنّهُ وَ الحائِضُ تَقضِی الصِّیامَ وَ لا تَقضِی الصَّلوهَ؟» (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۲، ص ۳۰۸) در سنت قیاس نمی‌شود؛ چگونه در سنت قیاس شود، در حالی که زن حائض روزه‌اش را قضا می‌کند، اما نماز را قضا نمی‌کند؟

ایشان شاگردانشان را از پیروی از رأی و نظر شخصی بدون مستند شرعی باز می‌داشتند:

عَن أبِی‌بَصیرٍ: قُلتُ لِأبِی‌جَعفَرٍ: یَرُدُّ عَلَینَا أشیاءٌ لانَجِدُها فِی الکِتابِ وَ السُّنَّهِ فَنَقُولُ فِیها بِرَأیِنا؟ فَقالَ: أما إنّکَ إن أصَبتَ لَم تُؤجَرُ وَ إن أخطَأتَ کَذِبتَ عَلی اللهِ (برقی، ۱۳۳۰: ج ۱، ح ۲۱۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

۳-۱۰-۵. میراث حدیثی امام باقر علیه‌السلام در زمینه اخلاق

مسائل اعتقادی و فقهی و کثرت پرسش و پاسخ در این زمینه‌ها، امام را از پرداختن به مسائل اخلاقی و اصلاح نفوس یاران بازنمی‌داشت. ایشان، در فرصت‌های مختلف، به بیان مسائل اخلاقی و تبیین ویژگی‌های مؤمنان واقعی می‌پرداختند تا از این رهگذر، به اصلاح نفوس یاران خویش همت گمارند. معرفی ویژگی‌های شیعیان واقعی (کلینی، ۱۳۶۳: ج۲، ص۷۶)، برادری مؤمنان (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۶۶)، امانت‌داری (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲ ص ۱۶۲)، نیکوکاری (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۷۵، ص ۱۷۵)، توبه (کلینی، ط ۱۳۶۳: ج ۲، ص۴۴۰)، حقوق همسایه (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۴۴۸)، صله رحم (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۱۰۵۵)، زهد (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶: ج ۲، ص۱۱۷۰) و... از موضوعاتی است که روایات بسیاری از آن امام دربارهٔ آن‌ها گزارش شده است.

۳-۱۰-۶. میراث حدیثی امام باقر علیه‌السلام در زمینه تاریخ و سیره

دوران امامت امام باقر علیه‌السلام مصادف با آغاز تاریخ‌نگاری اسلامی است. در این دوران گروهی از محققان به جمع‌آوری گزارش‌های تاریخی از صدر اسلام تا آن زمان پرداخته و آنها را مدون می‌کردند. شخصیت علمی امام باقر علیه‌السلام و مرجعیت ایشان، باعث شد که بسیاری از تاریخ‌نویسان به ایشان مراجعه و برخی از حوادث تاریخی را بر پایهٔ روایت‌های ایشان تنظیم و گزارش کنند؛ برای مثال با توجه به اینکه امام باقر علیه‌السلام در جریان حادثهٔ عاشورا چهارساله بودند و در آن ماجرا حضور داشتند، گزارش‌های مختلفی را از حوادث آن روز بیان نموده‌اند؛ چنان‌که طبری، چگونگی شهادت امام حسین علیه‌السلام و فرزند شیرخوار ایشان را به طور کامل از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده است. (طبری، ۱۹۸۳: ج ۴، ص ۳۴۲؛ ابومخنف، بی‌تا: ص ۱۷۲) علاوه بر این، ماجراهایی مثل قیام مختار (ابومخنف، بی‌تا: ص۳۷۵)، ماجرای حکمیت (منقری، ۱۳۸۲: ص۵۰۰)، ماجرای جنگ جمل (مفید، بی‌تا: ص ۱۵۸) و... از مهم‌ترین مطالب تاریخی هستند که

توسط امام باقر گزارش شده است. سیرهٔ امامان پیشین نیز از جمله موضوعات مورد علاقهٔ امام باقر علیه‌السلام بود که کم و بیش بدان پرداخته‌اند. (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۱۵۱)

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی آنچه گفته آمد، مطالب زیر را به عنوان رهاورد پژوهش تقدیم می‌دارد:

۱. امام باقر علیه‌السلام تأثیری شگرف بر فرهنگ حدیثی شیعه دارد که این تأثیرات در اموری چون کثرت شاگردان ایشان و احادیث منقول از آن حضرت، فراوانی کتب تألیف‌شده در دورهٔ امامت ایشان و دوره‌های پسین، گرایش اصحاب به پرسشگری، ارتقای علمی اصحاب و افزایش مراجعه مردم به اهل‌بیت نمود یافته است.

۲. امام باقر علیه‌السلام با اقداماتی چون نشر حدیث در مجالس عمومی و خصوصی، ترویج عرضه حدیث، ترغیب مردم به حدیث‌پژوهی، تربیت شاگردانی مثل طبقهٔ اول اصحاب اجماع، تأثیرگذاری بر محدثان اهل‌سنت و معرفی غالیان و منحرفان به جامعهٔ علمی آن روز تأثیر بسزایی در رشد و ارتقای حدیث و دانش‌های مرتبط با آن داشتند؛ به گونه‌ای که نتایج تلاش‌های ایشان را در دوره‌های امامان بعدی می‌توان مشاهده کرد.

۳. ایشان با طرح و تبیین مباحثی چون حجیت کلام اهل‌بیت، لزوم دقت در سماع، پرهیز از اعتماد به روات ضعیف، لزوم اخذ حدیث از راویان موثق، ابداع مشیخه‌نویسی، بیان اصول نقد متن حدیث، پرهیز دادن محدثان از انکار شتاب‌زدهٔ حدیث و نیز طرح مسئلهٔ وجود احادیث جعلی در میان میراث روایی موجود، در ارتقای دانش حدیث و تحکیم مبانی آن، گامی بلند برداشتند.

۴. امام باقر علیه‌السلام میراث حدیثی منحصر به فردی را در همهٔ موضوعات علوم اسلامی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

از تفسیر، اعتقادات، فقه و اصول استنباط گرفته تا اخلاق، تاریخ و سیره برای نسل‌های بعدی شیعیان از خود بر جای گذاشتند که این میراث، در کنار میراث حدیثی فرزندشان امام صادق علیه‌السلام، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین منبع معرفتی شیعه به شمار می‌رود.

کتابنامه

قرآن کریم.

۱. آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن، (۱۹۸۳م)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء، چاپ سوم.

۲. ابن‌اثیر، علی بن ابی‌الکرم، (۱۹۶۶م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.

۳. ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی، (۱۹۵۶م)، *مناقب آل أبی‌طالب*، نجف: حیدریه.

۴. ابن‌الندیم، محمد بن ابی‌یعقوب، (بی‌تا)، *الفهرست*، تصحیح: رضا تجدد، بی‌جا، بی‌نا.

۵. ابوریه، محمود، (بی‌تا)، *اضواء علی السنه المحمدیه*، بی‌جا، بی‌نا.

۶. ابومخنف ازدی، لوط بن یحیی، (بی‌تا)، *مقتل الحسین*، تصحیح: حسین غفاری، قم: بی‌نا.

۷. امین، محسن، (بی‌تا)، *أعیان الشیعه*، تصحیح: حسن امین، بیروت: دارالتعارف.

۸. امینی، نوروز، (۱۳۸۷ش)، «روایات اهل‌بیت در منابع اهل‌سنت»، فصلنامه علوم حدیث، شمارهٔ ۴۷، ص ۱۸۴- ۱۴۶.

۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۹۸۱م)، *الجامع الصحیح*، بیروت: دارالفکر.

۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۳۰ق)، *المحاسن*، تصحیح: جلال‌الدین حسینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۱. بغدادی، اسماعیل پاشا، (بی‌تا- الف)، *ایضاح المکنون*، تصحیح: محمد شرف‌الدین، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۲. ----------، (بی‌تا- ب)، *هدیه العارفین*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: آل‌البیت، چاپ دوم.

۱۴. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۷ق)، *خلاصه الاقوال*، تصحیح: جواد قیومی، قم: نشر الفقاهه.

۱۵. حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، *قرب الاسناد*، تصحیح: مؤسسه آل‌البیت، قم: مؤسسه آل‌البیت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

۱۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۹۷۴م)، *تقیید العلم*، تصحیح: یوسف العش، بی‌جا: دار احیاء السنه النبویه.
۱۷. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحدیث*، بی‌جا، بی‌نا، چاپ پنجم.
۱۸. دارمی، عبدالله بن بهرام، (۱۳۴۹ق)؛ *سنن الدارمی*، دمشق: اعتدال.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۹۶۶م)، *علل الشرایع*، نجف: حیدریه.
۲۰. ----------، (۱۳۳۸ش)، *معانی الاخبار*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی.
۲۱. ----------، (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. صفّار، محمد بن حسن، (۱۳۶۲ش)، *بصائر الدرجات*، تصحیح: حسن کوچه‌باغی، تهران: اعلمی.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۹۸۳م)، *تاریخ الطبری*، بیروت: اعلمی، چاپ چهارم.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *اختیار معرفه الرجال (رجال الکشّی)*، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: آل‌البیت.
۲۵. ----------، (۱۳۶۳ش)، *الاستبصار*، تصحیح: حسن موسوی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۶. ----------، (۱۳۶۴ش)، *تهذیب الاحکام*، تصحیح: حسن موسوی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۲۷. ----------، (۱۴۱۵ق)، *رجال*، تصحیح: جواد قیومی، قم: انتشارات اسلامی.
۲۸. ----------، (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تصحیح: جواد قیومی، قم: نشر الفقاهه.
۲۹. عینی، محمود بن احمد، (بی‌تا)، *عمده القاری*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۰. عطاردی، عزیزالله، (۱۳۸۱ش)، *مسند الامام الباقر*، مشهد: عطارد.
۳۱. غروی نائینی، نهله، (۱۳۸۵ش)، «امام باقر (علیه السلام) و حفظ و صیانت حدیث»، فصلنامه تحقیقات ۳۲. علوم قرآن و حدیث، سال سوم، شمارهٔ اول، ص۸۲-۵۳.
۳۳. قمی، عباس، (۱۳۸۸ش)، *منتهی الآمال*، تهران: میلاد، چاپ پنجم.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ پنجم.
۳۵. مبارکفوری، محمد عبدالرحمن، (۱۹۹۰م)، تحفه *الاحوذی بشرح جامع الترمذی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]

۳۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۹۸۳م)، *بحارالانوار*، بیروت: الوفاء، چاپ دوم.
۳۷. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۴۱۶ق)، *میزان الحکمه*، قم: دارالحدیث.
۳۸. مدیرشانه‌چی، محمدکاظم، (۱۳۷۲ش- الف)، *درایه الحدیث*، قم، انتشارات اسلامی.
۳۹. ----------، (۱۳۷۲ش- ب)، *علم‌الحدیث*، قم: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۴۰. مزی، یوسف، (۱۹۸۵م)، *تهذیب الکمال*، تصحیح: بشار عواد معروف، بیروت، بی‌نا، چاپ چهارم.
۴۱. مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۷۶ش)، «عرضهٔ حدیث بر امامان (بخش اول)»، فصلنامه علوم حدیث، شمارهٔ ۶، ص ۵۷-۲۹.
۴۲. ----------، (۱۳۷۷ش)، «عرضهٔ حدیث بر امامان (بخش دوم)، فصلنامه علوم حدیث، شمارهٔ ۹، ص ۱۶۹-۱۲۰.
۴۳. معارف، مجید، (۱۳۷۴ش)، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، تهران: ضریح.
۴۴. همو، (۱۳۸۱ش)، *تاریخ عمومی حدیث*، تهران: کویر، چاپ دوم.
۴۵. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۰ش)، *تفسیر و مفسران*، قم: التمهید.
۴۶. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *الإرشاد فی معرفهٔ حجج الله علی العباد*، تصحیح: مؤسّسه آل‌البیت، بیروت: دارالمفید، چاپ دوم.
۴۷. ----------، (بی‌تا)، *الجمل*، قم: مکتبه الداوری.
۴۸. منقری، نصر بن مزاحم، (۱۳۸۲ق)، *وقعه صفین*، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قاهره، مؤسسه العربیه الحدیثه، چاپ دوم.
۴۹. موحد ابطحی، محمدعلی، (بی‌تا)، *تاریخ آل‌زراره*، بی‌جا، بی‌نا.
۵۰. نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، *رجال النجاشی*، قم: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۵۱. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، (بی‌تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دارصادر.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.7.3]